

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
 بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۵ دسمبر ۲۰۲۱

ترجمان گهرا

دوستان! دشب سرم فکر و بولار بار داشت
 دل، تیدین در فضا سر تا پیش سبار داشت
 دیده از حسن و جمالش نشی در اظفار داشت
 طبع از آلام رقم بر این دکان شمار داشت

درد دل با دوستان محرم و سرور بود
 سگوه از بی رنگ و کمر و فتنه از نیا بود
 باد صبح از طاب و طاب بر کردار بود
 این چنین مرقوم بر آغوش بی متدور بود

از سر برادر تا یکی در خوب غفلت مانده ام
 از غفلت تا دم، یوم قیامت مانده ام
 در میان کوشش بنفش و عدالت مانده ام
 می در زندان جسد بر شرارت مانده ام

جلوه شدنی جانان، در سگوه و در جلال
 نور در لاشق و نمد از حرطت در لاشمال
 عاشقان سرکش و جیران و بس در لاشمال
 جذب عشق است، زان من و جان و مال

از عشیت کن نفس بر آن شعاع باق
 کز تصادم، فکر ز لایسده نور شادق
 باش بر جسد و تعصب، بهج بر حق طاق
 دیشنه از بوم برکن، با سیوف خادق

سین ما سین تنه ام، نیت سین آسینی
 نور ما، نور سسادم، ز زنیساردنی
 نور ما عشق است و یک از عالم ما و منی
 نیت از آن پشم با سر و وزغ از حسرنی

قلب عشق است از در آتش عشق بخار
 حسرت با درد دل در راه جان خویشدار
 از تاب و حرقت و موز است، از در لاشمال
 زنده و جاوید از در جنت پروردگار

با مسان جانفشان، در بحر علم سمد سر
 مختصر از علم علم لایزال از سر
 زاهد و عابد که سرگردان چرخ کبدر
 من در زندان موسی و سج و احمد سر

کتاب ما را نماند قیل و قال و دود
 می نه بنفش و کینه و جنگ و جدال و دغ
 می نه سیمی و زبانی و شکیک و هند
 خوش به حال عاشقان و اولاد این مدر

صبح سیدانی کون یوم امتداد است
 دور آرام خشم شد، کور به امداد است
 باز به کوش دل، بشو، نلایه است
 بصر به محرم زین بدل و عطا است

دوره باب و بهاء و حضرت عبدالصامت
 شوقی و از بیت العدل و از به اهل بصامت
 مرسلین و انیسار از خط این خط بصامت
 صدین سال مصور حضرت عبدالصامت

صدین سال مصور حضرت عبدالصامت
 از کده ضمن اینه از عظم، ترجمان گهرا است
 از کده سزایه از ارقم، چش خود و عاقبت
 صدین سال مصور حضرت عبدالصامت

از کده از عزم تیش صلح و وحدت دور است
 کتله طیش سترق و غرب این جهان را رحمت
 مرکز شایق و عبد حضرت باب و بصامت
 عالم انسان را هم رابرت و رحمت

این چنین جاد ز طیم در نیت از حترام
 حسرت به سب و طاب و آغوش و بر طلال
 از بجه از دم بود کوش، کت مستفوم کرم
 و نیت از سگوه شد از تمام نیت، از اسلام